

آغاز دوره شناخت قرآن در ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی*

پرفسور پیه‌موتسه

در سال‌های اخیر، پژوهش گسترده‌ای را تحت عنوان کتابخانه عربی در ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی، درباره دوره‌های ناشناخته عرب‌شناسی در ایتالیا آغاز کرده‌ام و امیدوارم در آینده نزدیکی بصورت کتاب منتشر شود. همچنین چند مقاله در این زمینه نوشته‌ام که آماده چاپ است، اما هنوز بطور عمومی چیزی در این باره نگفته‌ام و این اولین بار است که به طرح این موضوع در خدمت شما می‌پردازم.

کسانی که در این باره کار کرده‌اند، هرگز به مدارک اصلی آن یعنی مدارک آرشیوی و نسخه‌های خطی مراجعه نکرده‌اند. البته برای این بی‌توجهی دلایلی وجود دارد که پرداختن به آنها در حوصله این بحث نمی‌گنجد.

نخستین عرب‌شناس ایتالیایی در قرن پانزدهم میلادی، فردی بود به نام بلترامو مینیانلی (Beltramo Mignanelli) (۱۳۷۰ تا ۱۴۵۵ م / ۷۷۱ تا ۸۵۹ هـ). وی اهل سینتا (Siena) شهر معروف توسکانا (Toscana) بود و سال‌های درازی را تا حدود ۱۴۱۰ م / ۸۱۳ هـ در مصر، سوریه، ایران، تبریز، هرمز و منطقه خلیج فارس به سربرد. مینیانلی در ظاهر تاجر، اما در اصل دیپلمات بود. آثاری وی به شرح زیر است:

(۱) ترجمه تطبیقی زبور داود به زبان عربی، لاتین، یونانی و عبری.

(۲) شرح حال تیمورلنگ: بیانگر این احتمال است که شاید این شرح که به زبان لاتین و مبتنی بر مشاهدات عینی مؤلف است، نخستین و مهم‌ترین شرح حال اروپایی درباره تیمورلنگ باشد و نیز بیانگر این احتمال است که شاید مینیانلی بانظام‌الدین شامی یا

نخستین شرح قرآن در اروپا

نامۀ پژوهش شرق

مجله‌نامه تحقیقات فرهنگی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تعمیرات

ابن خلدون آشنایی داشته است.

۳) شرح حال سلطان برقوق سلطان مملوکی مصر.

این دو شرح حال بنا بر سفارش سچیسموند (Sigismund)، امپراتور مجارستان در شهر کنستانز (Kenstanz) آلمان، در سال ۱۴۱۶م/ ۸۱۹هـ نوشته شده است. در دیباچه کتاب زیور داود، مینیانلی مطالبی درباره ویژگی های زبان عربی و آثار فرهنگی آن و نیز معرفی دقیق دستور زبان عربی آورده است که بدون تردید نخستین تعریف علمی زبان عربی در اروپاست. این کتاب در سال ۱۴۴۳م در شهر سینا نگارش یافت. مینیانلی درباره سلطان مصر می نویسد: سلطان مصر چند زبان می دانست که از آنها در موارد زیر استفاده می کرد:

زبان عربی در هنگام دادرسی (زبان قضایی)

زبان ترکی در اردو (زبان نظامی)

زبان فارسی و یونانی در دربار و حرم

همچنین او مترجم پاپ ائوگنیوس چهارم (Eugenis IV) در نشست جامع کلیساهای مسیحی در شورای فلورانس (۴۳ - ۱۴۳۸م / ۶ - ۸۴۲هـ) و مترجم پاپ در امور نمایندگان عربی زبان مصر، سوریه، بین النهرین و قبطیان بود.

مقاله دیگری که زیر چاپ دارم «شروع تحقیقات عربی در سیسیل از قرون وسطی تا رنسانس» نام دارد و تا آنجا که من می دانم این موضوع تا کنون بررسی نشده است. تحقیقات در سیسیل، از قرن ۱۲م / ۶هـ آغاز شد. یکی از ویژگی های مردم سیسیل آن بود که یهودیان آن نسبت به سایر یهودیان ایتالیا از آگاهی بیشتری برخوردار بودند. متون عربی، نه فقط به خط عربی، بلکه به خطوط عبری و سریانی نیز نوشته می شد. در قرن ۱۶م / ۱۰هـ، جیان باتیستا وکییتی (Jian Battista Vecchieti)، خاورشناس و جهانگرد ایتالیایی به ایران آمد و توانست با استفاده از یهودیان جنوب ایران (لار)، تورات و زیور و دیگر کتب مقدس را از خط عبری به خط عربی برگرداند.

مقاله دیگری که بتازگی آماده کرده ام «قرآن های جمع آوری شده در قرن ۱۵م / ۹هـ توسط دانشمندان ایتالیایی» نام دارد. در آن قرن دانشمندان علاقه مند به تحقیق در تمدن شرق و اسلام، توجه خاصی به ویژگی های زبان و متون عربی داشتند، زیرا زبان عربی

یکی از چهار زبان اصلی فرهنگ و تمدن جهان (در کنار زبان های یونانی، لاتین، عبری) بود و زبان کلدانی (سریانی)، زبان فرهنگی پنجم شمرده می شد.

در یک کتاب چاپی، کتیبه ای وجود دارد که دقیقاً تصور این مفهوم است. از بالا به پایین چهار زبان: عربی، سریانی، یونانی و لاتین. متن عربی آن چنین است: «مجد الله»، «ام المحبه» و «مجد الدنيا»، و به لاتین، ترجمه آن عبارت است از: «به جلال خداوند (Glori Dei)»، «مادر محبت (Mather Amoris)» و «به جلال دنیا (Gloria Mvndi)». این کتاب که در ماه دسامبر ۱۴۹۹م / ۹۰۴هـ در ونیز چاپ شد، معروف ترین چاپ مصور در اروپا تا آن زمان بود که درباره تعبیر خواب جوانی به نام پولیفیلوس (Poliphilus) است. در این کتاب تفسیر عربی دیگری وجود دارد که نخستین چاپ متنی عربی در اروپا (و جهان) است. اما اینکه این کتیبه را چه کسی و در کجا و به چه منظوری نوشته است قابل بررسی است.

درباره قرآن مقدماً باید گفت که در نیمه اول قرن ۱۲م / ۶هـ اولین ترجمه قرآن به زبان لاتین توسط یک دانشمند انگلیسی بنام روبرتوس کتنسیس (Robertus ketnensis) در شهر تولدو (Toledo) در اسپانیا تهیه شد. هشتاد سال بعد در ۱۲۱۱م / ۶۰۸هـ، پتروس تولتانوس (Petrus Toletanus) ترجمه جدیدی از قرآن به همراه چند رساله از ابن تومرت موحدی ارائه داد. این دو ترجمه، بویژه نخستین آن که همراه با متون دیگر به اهتمام پتروس ونرابیلیس (Petrus Venerabilis) جمع آوری شده بود، بصورت دایرةالمعارف جیبی اسلام در اروپا استفاده شد. در این دایرةالمعارف، متن قرآن، مقدمه، رساله ای در شرح حال پیامبر اسلام، شجره خاندان قریش و نیز چند رساله بر ضد اسلام آمده است. این مجموعه که به عنوان مجموعه تولدونی (Collectio Toletana) شناخته می شد، منبع اصلی شناخت اسلام و قرآن در اروپا بود. ترجمه قرآن پتروس تولتانوس گرچه شهرت زیادی نیافت اما منبع ترجمه های دیگر شد. تا قرن ۱۵م / ۹هـ، از سرگذشت ترجمه قرآن بی خبریم. پس از آن، یعنی از نیمه دوم قرن ۱۵م / ۹هـ به بعد، در ایتالیا توجه زیادی به قرآن شد، بویژه از سوی اومانیست ها که به منظور تحقیق مجدد در متون و زبان ها، بر آن بودند تا دیگر براساس ترجمه لاتین، به بررسی متون عربی بپردازند، بلکه ترجمه های جدیدتری از این متون ارائه دهند.

از مهم‌ترین مراکز جمع‌آوری نسخه‌های خطی عربی می‌توان به رم (بایستخت مسیحیت)، فلورانس (مرکز نهضت اومانیسم) و اورینو (بایستخت فرهنگی ایتالیا و شاید اروپا) اشاره کرد. حاکم اورینو، فدریکو دامونته فلترو (Federico da Monte Feltr) یک نظامی بود که علاقه زیادی به گردآوری نسخه‌های خطی داشت به نحوی که جیوانی سانتی (Giovanni Santi) پدر رافائل (Raffaello Santi) نقاش مشهور، زندگینامه وی را بصورت منظومه‌ای درآورده و در جایی از آن درباره کتابخانه او به شعر چنین سروده است: «کتاب‌های فراوان دیدم: عربی، یونانی و عبری».

راهب دومینیکن جرولموساوتارولا (Gerolamo Savonarola) که موجد نهضت اصلاح کلیسای کاتولیک بود و از این‌رو به عنوان پیامبر شناخته می‌شود، در سال ۱۴۹۶ م / ۹۰۱ هـ در کلیسای فلورانس نطقی کرد مبنی بر اینکه «در مذهب ما سه زبان کامل وجود دارد: لاتین، یونانی و عبری؛ و سپس زبان عربی و کلدانی؛ یقیناً خداوند در رساندن آنها به ما دلیلی داشته است». مارسلیو فیچینو (Marsilio Ficino) بزرگترین دانشمند و اومانیست فلورانس، و همکار مدیچی (Lorenzo de Medici) حاکم فلورانس، در کتابی درباره مسیحیت که در سال ۱۴۷۴ م / ۸۷۹ هـ به رشته تحریر درآمد، چنین نوشته است: «سرانجام در خواهید یافت که اعتبار پیامبران و قوانین و دستورات آنان در طی قرون متبادی چقدر بزرگ بوده است و این دستورات از سوی یهودیان و مسیحیان و مسلمانان یعنی همه ملل جهان رعایت می‌شود. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود در آن زمان نه ضدیت با اسلام، که هماهنگی با آن مطرح بود و این معنای نظریه آکادمی افلاطونی فلورانس بود.

از دیگر اومانیست‌های آن دوره می‌توان از جیوانی پیکو دلامیراندولا (Giovanni Pico della Mirandola) نام برد که در طول حیات ۳۳ ساله‌اش نشان داد فردی بسیار فرهنگ دوست است. وی با اطلاعاتی که درباره فلسفه و عرفان و ادیان یهود و اسلام داشت بر آن بود تا بین ادیان سه گانه هماهنگی به وجود آورد و دین جدیدی بسازد. لذا زبان‌های عبری، کلدانی و عربی را فراگرفت و در کتابخانه خود به گردآوری نسخه‌های عربی پرداخت. از جمله کتاب‌های عربی موجود در کتابخانه او: زیور داده اناجیل چهارگانه، القانون فی الطب (ابن سینا)، سرالاسرار و دو نسخه قرآن به زبان

عربی است که از این دو نسخه، یکی احتمالاً همان نسخه مونیخ است به شماره ۷۰۷، (Codex Orientalis 707) و دیگری نسخه واتیکان به شماره ۲۵۷ (Vatican Ebraico 357). پیکو معلمی برای زبان عبری، عربی و کلدانی داشت که نامش فلاویوس متیرداتس و لقب آکادمیک او گوئللموس رایموندوس مونکاتس بود. مونکاتس پسر یک دانشمند مسیحی مذهب یهودی الاصل سیسیلی بود که او هم عرب‌شناس بود. نام اصلی او هنوز شناخته نشده است. محققان یهودی امروزی معتقدند گرچه مونکاتس متون یهودی را به مسیحیان بطور دقیق و صحیح نرسانده، اما مهمترین شخصیت یهودی است که در زمان اومانیسم، فرهنگ یهودی را به مسیحیان انتقال داده است. از این رو او بزرگ‌ترین خاورشناس قرن پانزدهم در اروپاست که کتاب‌های زیادی توسط او ترجمه یا تفسیر شده است.

درباره چگونگی ارتباط مونکاتس با پیکو چنین گفته می‌شود که:

در جمعه مقدس (۲۰ آوریل) ۱۴۸۱ م / ۲۱ صفر ۸۸۶ هـ مونکاتس در واتیکان و در حضور پاپ سیکستوس چهارم (Sixtus IV) و کاردینال‌ها، درباره «شهادت حضرت مسیح» نطقی کرد که متن اصلی خطی آن در کتابخانه واتیکان (Ms. Barberini 1175) موجود است. او در این نطق، فرهنگ شرقی خود را با به‌کاربردن رنگ قرمز نشان می‌دهد. عنوان این نطق با ذکر از جملات به زبان و خط عبری، یونانی، لاتین، کلدانی و عربی نوشته شده است. در این ترکیب، جمله کلدانی آن چنین معرفی شده است: «زبان آرامی به خط حبشی». دو جمله هم از قرآن دارد: سوره ۴ (نسا) آیه ۴، و سوره ۵ (مانده) آیات ۵۶ و ۵۷ (درباره ذات مسیح و مردم). سبک و شکل این دو عبارت از قرآن، بسیار شبیه قرآن چاپ و نیز است. یعنی به خط قرمز و شکل آن، خط نسخ شرقی است. به عبارت دیگر و به احتمال فراوان، متن اصلی قرآن چاپی به خط مونکاتس و با کوشش وی تهیه شده است. یکسال بعد، مونکاتس ترجمه جدیدی از قرآن را به فدریکو، حاکم اورینو تقدیم کرد که شامل سوره ۲۱ (انبیا) و ۲۲ (حج) و ترجمه آن بود. نسخه خطی، لغوی و مجلل است. نکته قابل توجه اینکه خط این نسخه، خط نسخ شرقی است که از ابراز در سیسیل هم رواج داشته است و این نشان می‌دهد، برای تهیه این کتاب، یک خوشنویس عرب استخدام شده بوده است. مونکاتس در مقدمه این کتاب می‌گوید: «من

ترجمه قرآن را به زبان‌های لاتین، عبری، سریانی، کلدانی و ترکی آماده کرده‌ام. وی قصد داشت قرآن را به ۶ زبان و در ۶ ستون منتشر کند. تقدیم دو سوره مذکور قرآن با ترجمه لاتین به فدریکو، آغاز کار او بود. این کار بی سابقه بود.

مونکاتس در تقدیم کتاب به فدریکو نوشت: «من قرآن را برای تو ترجمه می‌کنم تا تو برابم نزد کاردینال چیبو (Cibo) دوست پاپ توصیه کنی». کاردینال چیبو بعدها به مقام پاپ رسید و عنوان پاپ اینوستیوس هشتم (Innocentius VII) را دریافت کرد. آنچه گفته شد بیانگر موفقیت رؤسای کلیسا با ترجمه جدید قرآن و نشر آن بود.

در سال ۱۴۵۶ / ۸۴ هـ در اسپانیا، خوان دوسگوویا (Juan de Segavia) متن قرآن را همراه ترجمه آن به زبان‌های لاتین و اسپانیایی تهیه کرد که البته نسخه آن از دست رفته و فقط دیباچه آن در واتیکان موجود است، اما متن لاتین مقدمه و تقدیم دو سوره قرآن را که به کوشش مونکاتس نگارش یافته است، دست کم در ۵ نسخه دیگر می‌توان یافت: (۱) نسخه کتابخانه ملی پاریس به تاریخ ۱۵۶۵ م / ۹۷۲ هـ به شماره ۳۶۷۱ (Ms. Lat. 3671) همراه با ترجمه کامل مونکاتس از قوانین تورات به زبان لاتین.

(۲) نسخه کتابخانه ملی وین به تاریخ حدود ۱۵۳۰ م / ۹۳۶ هـ معروف به نسخه پالائینوس (سلطنتی) به شماره ۱۱۸۷۹، همراه با ترجمه مختصر قرآن.

(۳) نسخه کتابخانه آمبروسیان (Ambrosiana) در میلان، به شماره ۱۱۳ (Ms. R. 113 SVP)

(۴) نسخه کتابخانه مارچانا در ونیز به شماره ۴۶۶۲ (Ms. lat. XIV. 123 / 4662)

(۵) نسخه کتابخانه آنتونیانا (Antoniana) در پادوا به شماره ۲۰۷ (Ms. 207 Scaff. x)

این امر نشان می‌دهد، نوشته مونکاتس درباره قرآن، در محافل علاقه‌مندان و دانشمندان ایتالیا و اروپا تا قرن ۱۶ م / ۱۰ هـ رواج داشته است. قابل توجه بودن فعالیت مونکاتس در این زمینه بیشتر از آن روست که دست‌خط این دانشمند در نسخه قرآن موجود در کتابخانه واتیکان و مکتوب به خط عربی دیده می‌شود. این نسخه از قرن شانزدهم در واتیکان فهرست شده و درباره آن تحقیق هم انجام پذیرفته است، اما هیچ کس به ترجمه لاتین و امضای نویسنده آن دقت نکرده بوده است. متین این صفحه، سوره‌های آخر قرآن است. در این نسخه، ترجمه لاتین بین سطور بطور ناقص آمده است. در حواشی، تفسیر قرآن به زبان لاتین به چشم می‌خورد. ترجمه و تفسیر قرآن به

خط قرمز است. در آخرین سطر کتاب این امضا دیده می‌شود: (۱)
Finis Fl. Czvillemvs Raimundus Moncates یعنی «تتمت فلاویوس گوئللموس رایموندوس مونکاتس».

این نخستین بار است که دست خط مونکاتس بدون تردید شناخته شده است. بر اساس وقف‌نامه کتابخانه پیکو که در نسخه از آن (تحت شماره ۱۵۲) موجود است، در یکی از نسخه‌ها آمده: «قرآن» و در دیگری چنین ذکر شده است: «کتاب کاغذی خطی به خط عبری»، که معلوم می‌شود هر دو به یک نسخه اشاره دارند و آن عبارت است از همین نسخه واتیکان (عبری ۳۵۷). بنابراین پیکو مالک اصلی این نسخه بوده است. همچنین اگر این نسخه قرآن بر اساس دستوری ترجمه نشده بود نیازی هم به داشتن امضا در پایان آن از سوی مونکاتس نبود. به نظر می‌رسد، پیکو ترجمه و تفسیر قرآن به زبان لاتین را به مونکاتس سفارش داده بوده است. برگ‌های نخست این نسخه از بین رفته، اما خوشبختانه بقیه کتاب و برگ آخر آن باقی است. این کتاب باید بخوبی بررسی شود. نسخه مذکور دارای چند مشخصه است:

(۱) بعد از عناوین سوره‌ها، بسم الله الرحمن الرحيم در کنار آیات بعدی قرار دارد.
(۲) میان سوره‌ها فاصله است و آیه‌ها شماره‌گذاری نشده‌اند (درست مانند کهن‌ترین قرآن‌های موجود).

(۳) در مقایسه با متن معمولی قرآن، چند اشتباه املائی در آن به چشم می‌خورد.
(۴) در جاهای گوناگون تفسیر چنین آمده است: «قال ابوهریره» یا «قال ابن عباس»، که نشان از دسترسی به تفاسیر اصیل عربی است.

(۵) در حواشی، مسایلی درباره پیامبر اسلام، حوادث زندگی او، زنان او، جاهلیت اعراب و بت‌های آنها نظیر بت لات و نیز عبارات فیلولوژیک مانند «پردیس کوهی در بهشت» دیده می‌شود.

(۶) چند دانشمند از جمله پیکو، در حواشی ترجمه این نسخه، نکات و علایم مختلفی را افزوده‌اند که نشان از توجه و تعمق در کتاب حاضر است.

(۷) کاغذ این نسخه دارای نیلیگران^(۲) است که محل تولید کاغذ آن را نشان می‌دهد. همچنین نوشته «پالمو ۱۴۰۹» بیانگر تهیه شدن کاغذ آن در سیسیل است.

این نخستین تفسیر موجود در اروپا بر اساس متون اصلی عربی است.

پی نوشت

- ۱) در خواندن این امضاء خانم پائولا سوپینومارتینی، استاد پالتوگرافی دانشگاه رم، مرا یاری کرده‌اند که از ایشان سپاسگذارم
- ۲) واتر مارک، نسجی که در بافت کاغذ ایجاد می‌شد.